

مکزیک بعد از انتخابات:

گامی به پیش در جنبش انقلابی آمریکای لاتین

بهزاد مالکی، اکتبر ۲۰۰۶

[امروز ۳۱ اکتبر که این مقاله برای آرش ارسال می شود روزنامه ها از درگیری های سخت و خونین بین نیروهای نظامی مکزیک و توده های اعتصابی در ایالت اوآکساکا خبر می دهند. لوموند ۳۰ اکتبر می نویسد: "اوآکساکا که چهار ماه است در شورش به سر می برد دو روز پیش، صحنه حوادث خطیری بود که سه کشته به جا گذاشت، از جمله یک روزنامه نگار آمریکایی". این درگیری ها همچنان ادامه دارد. نیروهای مختلف از جمله زاپاتیست ها اعلامیه هایی داده اند. مقاله حاضر ما را با زمینه ها و ابعاد مبارزه جاری آشنا می کند.]

انتخابات ریاست جمهوری در مکزیک، طبق برنامه، در ۲ ژوئیه ۲۰۰۶ برگزار گردید. کاندیدای حزب دست راستی کاتولیک PAN (حزب اقدام ملی) فلیپ کالدرون، با اختلاف آراء ۵۶ صدم در صد (یعنی با اختلاف ۲۴۳ هزار رأی از ۴۱ میلیون رأی) در مقابل کاندیدای رفرمیست چپ، آندره مانوئل لوپز ابرادور، از حزب PRD (حزب انقلابی دموکراتیک) برنده اعلام شد.

مقامات حکومتی با علم به اینکه ابرادور شانس زیادی برای برنده شدن دارد، از مدتها قبل به هر ترفندی دست یازیدند تا او را از دور مسابقه انتخاباتی خارج سازند. پخش مخفی باند ویدئویی برای بی حیثیت کردن او، پرونده سازی واهی، زندان و لغو حقوق شهروندی از آن جمله اند. ترس الیگارشی حاکم در مکزیک و قدرتمندان ایالات متحده از اینکه کشور دیگری در آمریکای لاتین به جریان چپ حاکم در کوبا، ونزوئلا، بولیوی، برزیل، اوروگوئه، آرژانتین و شیلی بپیوندد در این اقدامات بی تأثیر نبوده است. ولی به رغم همه اینها، زیر فشار توده ای و تظاهرات آنها ابرادور توانست به حقوق خویش دست یافته به عنوان کاندیدای چپ به انتخابات راه یابد.

اقدام بعدی حاکمیت، سازماندهی وسیع تقلب انتخاباتی برای جلوگیری از انتخاب کاندیدای چپ بود. گزارشگران بی مرز و مانوئل بروسو (رئیس شورای وزیران اروپا) و ناظرین بی طرف به موارد متعددی از این تقلبات اشاره کرده، نگرانی خود را ابراز داشته اند (لوموند دیپلوماتیک، اوت ۲۰۰۶). منابع دیگری هم از جمله به موارد زیر اشاره کرده اند: ۹۰۴ هزار رأی حتی شمرده نشده در حالی که با اختلاف ۲۴۳ هزار رأی برنده را اعلام کرده اند. شمار زیادی از مردم در روز رأی گیری متوجه شدند که نامشان در لیست انتخاباتی نیست. در ۳۵۰۰ حوزه انتخاباتی، تعداد آرای اعلام شده، ۵۸ هزار رأی از آرای ثبت شده در لیست بیشتر بوده. برخی از روزنامه های مکزیک عکس هایی چاپ کردند که نشان می داد صندوق های رأی متعلق به حوزه های طرفدار چپ به دور انداخته می شود.

در هر کشور دموکراتیکی با این اقدامات اگر نه به لغو انتخابات، دست کم به شمارش دوباره کل آنها منجر می شد ولی در مکزیک اداره فدرال انتخابات و دادگاه انتخابات، تمام اعتراضات قانونی ابرادور را رد کرده، در ۷ سپتامبر رسماً پیروزی کالدرون را اعلام نمودند.

با اعلام نتایج انتخابات، مردمی که اعتراض داشتند و آن را نمی پذیرفتند به خیابان ها ریخته و دامنه تظاهراتشان هر روز وسیع تر می شد. با روشن شدن تقلبات و بی ترتیبی های رأی گیری، با فراخوان ابرادور، در ۸ ژوئیه ۷۰۰ هزار نفر، دوهفته بعد ۲ میلیون نفر و در ۳۰ ژوئیه سه میلیون نفر در

مکزیکو و ۷ میلیون نفر در سراسر مکزیک به منظور اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات اجتماع کردند و خواستار لغو آن گردیدند. شرکت کارگران و دهقانانی که به شهر آمده بودند و شمار بومیان در این اجتماعات زیاد بود. گستره خواست های مردم از لغو انتخابات فراتر رفته و به تدریج تمام سیاست های الیگارشسی حاکم را نشانه می گرفت. به ویژه سیاست های خصوصی سازی، بیکاری و فقر، فساد دستگاه اداری و انحصار رسانه های عمومی در دست دولت سرفصل های مهم این اعتراضات هستند. مبارزه ای که بر سر تقلبات انتخاباتی شروع شده، می رود که به یک شورش همگانی انقلابی بدل شود. چنین وضعیتی در شرایط انقلابی آمریکای لاتین از اهمیتی به سزا برخوردار است. این مبارزه، یک باره، همه تضادهای کهنه جامعه مکزیک را که طی سالها انباشته شده بود، بر روی صحنه کشاند. فقدان دموکراسی، رشد اقتصادی ای که به هیچ رو وضعیت کارگران و دهقانان و مردمان فقیر را بهبود نبخشیده، بیکاری و سطح پایین دستمزدها، فساد همگانی دستگاه اداری و مهاجرت میلیونها مکزیکی به ایالات متحده برای یافتن کار، همه عواملی هستند که اوضاع بحرانی کنونی را ایجاد کرده اند.

در کشوری که به لحاظ داشتن میلیاردرها چهارمین کشور جهان است، پنج میلیون نفر در فقر بی نهایت زندگی می کنند و مردم می دانند که به سبب این شکاف عظیم طبقاتی، ثروتمندانی وجود دارند که همراه با شرکت های چند ملیتی ثروت کشور را غارت نموده، حکومت را کنترل می کنند.

در دوره پیش از انتخابات با سلسله تحولاتی روبرو بوده ایم که نشان از صف بندی های کنونی می دهد، از جمله: گسترش جنبش سندیکایی و دانشجویی، تغییر استراتژی جنبش زاپاتیستی در جهت اتحاد نیروهای چپ با هدف مبارزه با سرمایه داری حاکم (اعلام آماده باش سرخ در ژوئن ۲۰۰۵ و ششمین بیانیه جنگ لاکندونا [۱] و گردهمایی های "کارزاری دیگر" در ژانویه ۲۰۰۶ در شهر کریستوبال) از سوی و حملات بی رحمانه و خشونت آمیز دولت علیه کارگران فولاد در شهر لازارو کاردینا در ایالت Mich oaca و سرکوب خونین طرفداران زاپاتیست ها در سان سالوادور در آنتکو و تهاجم به آموزگاران اعتصابی در شهر آکساکا که به اشغال خیابان ها و مراکز مهم شهری دست زده بودند، از سوی دیگر. انتخابات فرصتی فراهم کرد تا مردم حکومت ۷۰ ساله PRI (حزب انقلاب نهادینه شده) و پنج سال حکومت دست راستی ویسنته فوکس از حزب PAN را زیر سؤال ببرند. میلیون ها مکزیکی از اقشار مختلف از کارزار انتخاباتی رهبر اپوزیسیون، لویز ابرادو پشتیبانی کردند. ابرادو (به گفته پروفیسور جرج گرایا، استاد علوم سیاسی دانشگاه ویلیام و ماری در ایالت ویرجینیا که اخیراً بیوگرافی او را نوشته) یک رفرمیست است: "ابرادو به ناسیونالیسم انقلابی معتقد است. طالب دولتی قوی با برنامه اجتماعی ست و از سیاست حمایتی و خودکفا در مورد نفت و گاز طبیعی دفاع می کند" (به نقل از مقاله آلن وود). شک نیست که او رفرمیستی ست که پایه های اساسی جامعه سرمایه داری را زیر سؤال نمی برد ولی همین قدر که توده های میلیونی را به حرکت درآورده و پایه های رژیم حاکم بر مکزیک را سست نموده برای امپریالیست ها و قدرت حاکم خطرناک به شمار می رود. مردم در او آنچه را که خود می خواهند می بینند یعنی فرصتی برای تغییر برخی امور، تغییر ریشه ای برخی امور. اما آنچه واشنگتن را به هراس انداخته نه لویز ابرادو، بلکه نیروهایی ست که او به میدان آورده و طبقاتی که از او پشتیبانی می کنند" (به نقل از همان مقاله).

پس از گردهمایی ۳۰ ژوئیه، بست نشینی مردم در خیابان ها و جاده ها در مکزیکو ادامه پیدا کرده. آنها تمام شب ها حتی در زیر باران در خیابان ها برای دفاع از کارزارهای خود ایستاده اند و از این طریق کار مؤسسات اقتصادی را فلج نموده اند. نتیجه مستقیم این جنبش اعتراضی بالا رفتن محبوبیت PRD بود که در انتخابات ماه اوت، اولین پست حکومت ایالتی چپاپاس را نصیب خود کرد. ابرادو با درک موقعیت انقلابی و با نفی نتایج انتخابات تقلبی، خویش را در رأس جنبش مردم قرار داد و حکومت را به مبارزه طلبید. این حرکت، جنبش طرفداران او را به دومین گروه بزرگ کنگره تبدیل کرد.

نقطه عطف جنبش اعتراضی در مکزیک، صدور فراخوان "میثاق ملی دموکراتیک" (CND) توسط لوپز ابرادور، زیر فشار افکار عمومی در روز ۱۶ سپتامبر یعنی روز استقلال مکزیک بود که در آن حدود یک میلیون نماینده از سراسر کشور شرکت کردند. علاوه بر آن، ده ها هزار نفر نیز که ثبت نام نکرده بودند با اعلام حمایت خود از آن پشتیبانی نمودند. اعلام اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در ماه سپتامبر ابتکار دیگری بود که از طرف سازمان های چپ و مارکسیست انجام گرفت. هدف اولیه این گردهمایی تصمیم گیری نسبت به نتایج انتخابات و حرکت بعدی بود. در تدوین این هدف، دو گرایش بروز کرده است:

اول: برای بوروکراسی تشکیلاتی PRD، گردهمایی میثاق ملی میتینگ ست جهت اعمال فشار اضافی بر روی قدرت حاکم تا شاید به توافقی با اپوزیسیون دست یازد. و احتمالاً تنی چند از رهبران آن را در قدرت شریک سازد و بخش هایی از برنامه آن را بپذیرد. این فرضیه با وجود عوامل نفوذی PRI (حزب انقلاب نهادی شده که ۷۰ سال حکومت مکزیک را در اختیار داشته و در سال ۲۰۰۰ از قدرت برکنار گردید) که فرصت طلبانه در پی کسب مقام به جنبش اپوزیسیون پیوسته اند باعث یک تضاد درونی در PRD گردیده است. در همان روز اول رهبرانی تاریخی چون کاردناس که جنبش را از "تعرض آشکار به نهادهای قانونی" منع می کردند با فریاد "خائن، خائن" از صحنه جارو شدند.

دوم: از پایه های حزب چنین بر می آید که کارگران، دهقانان و جوانان انقلابی حزب خواهان ریزه خواری از سفره طبقة حاکم نیستند. برای آنان "میثاق ملی دموکراتیک" یک بدیل حکومتی ست و از آنجا که دادگاه فدرال انتخاب کالدرون (کاندیدای دیگر) را به رسمیت شناخته، این عمل اعتراضی از تمام چارچوب های قانونی فراتر رفته و آشکارا نفی حکومت فعلی را نشانه گرفته است. به نظر می آید که ابرادور با درک اوضاع کنونی، می کوشد به این گرایش نزدیک شود. او قول یک "تغییر رادیکال" را داده و خواهان یک "نقشه جامع برای تغییر مکزیک" گردیده است.

در اینجا لازم به یادآوری ست که تاکتیک تحریم انتخابات که زاپاتیست ها و برنامه "کارزاری دیگر" توصیه کرده اند بی تأثیر بودن خود را نشان داده است. شرکت توده های میلیونی در انتخابات و حرکت بعدی آنها در نپذیرفتن نتایج قلبی آن «نشان داده که مردم انتخابات را فرصتی مغتنم شمرده اند تا خواست خود را جهت تغییر امور نشان دهند. از این رو به احترام و اعتمادی که رهبران زاپاتیستی در میان مردم از آن برخوردار بودند لطمه وارد آمده است. همین مطلب در مورد گروه های رادیکال تر چپ نیز صادق است که کارزار تحریم انتخابات را پیش کشیده بودند.

میثاق ملی، طی قطعنامه ای، پنج هدف برای خویش تعیین کرده است:

۱- مبارزه با فقر و نابرابری وحشتناکی که بر کشور حاکم است. در قطعنامه آمده است: "بدون عدالت، امنیتی برای هیچ کس وجود ندارد و صلح اجتماعی نیز پایدار نخواهد ماند. صلح میوه عدالت اجتماعی ست."

۲- دفاع از ثروت ها و منابع ملی: "ما اجازه غارت منابع ملی مان را نمی دهیم. ما با خصوصی سازی ها، در هر شکلی که باشد، مخالفت خواهیم کرد. صنایع الکترونیک، نفت (اشاره به طرح خصوصی کردن شرکت ملی نفت PEMEX و شرکت برق است)، آموزش عمومی، بیمه های اجتماعی و سایر منابع ملی در اختیار و انحصار ملت باقی خواهد ماند."

۳- دفاع از حق عموم برای اطلاع رسانی و اطلاع یافتن (در اینجا با قانونی که رسانه های گروهی را انحصاراً در اختیار حکومت قرار داده مخالفت می شود).

۴- مبارزه با فساد عمومی و معافیت فاسدان از مجازات. حکومت نباید همچون کمیته ای که در خدمت اقلیتی رسوا ست عمل کند. باید کسانی را که از قدرت سوء استفاده کرده و اموال عمومی را به غارت برده اند مجازات نمود.

۵- یاکسازی تمام نهادهای مدنی. "مبارزه با عواملی که به حقوق کارگران و زحمتکشان (مندرج

در قانون اساسی ۱۹۱۷) خیانت کرده، با دگرگون کردن نهادهای قانون اساسی راه را برای تقلب و فساد باز کرده اند، به طوری که سیاست مالی در خدمت بانکداران و صاحبان نفوذ قرار گرفته و دادگاه فدرال در خدمت جنایتکاران یقه سفید و صاحبان قدرت است.

این هدف ها که دو روز پس از گردهمایی میثاق دموکراتیک انتشار یافته از این امر اظهار نگرانی می کند که نهادهای حاکم از اجرای قانون اساسی که ناشی از انقلاب ۱۹۱۷ است سر باز زده اند.

بالاخره قطعنامه های مصوب میثاق ملی، با انتخاب ابرادور به ریاست جمهوری و تشکیل حکومتی که در ۲۰ نوامبر (سالروز انقلاب مکزیک) مشروعیت رژیم حاکم را زیر سؤال برده و گزایشی را که می خواست تحت عنوان طرح نقشهء مقاومت، ابرادور را صرفاً به عنوان رئیس جنبش مقاومت انتخاب نماید، با اکثریت عظیم آراء نمایندگان میثاق ملی در اقلیت قرار داد و بدین ترتیب ارادهء خود را برای تغییر کل رژیم نشان داد.

در اینجا نقش مطبوعات و رسانه های مسلط در مکزیک و رسانه های بین المللی جالب توجه است که به سکوتی سنگین دربارهء تقلبات انتخاباتی و حوادث جاری مکزیک پرداخته اند. لوموند دیپلوماتیک در شمارهء ژوئن ۲۰۰۶ خویش در این باره نوشت: "جامعهء بین المللی" و "سازمان های دفاع از آزادی" که به طور مستمر در حوادث انتخاباتی صربستان، گرجستان، اوکراین و اخیراً در بلوروسی آنقدر فعال بودند، دربارهء این کودتای انتخاباتی که پیش چشم ما در مکزیک می گذرد، ساکت مانده اند. می توان تصور کرد که اگر این تقلب انتخاباتی در ونزوئلا کنونی می گذشت و کاندیدای مخالفین چاوز با ۵۶ صدم درصد آراء بازنده می شد چه جنجال بین المللی برپا می گشت".

در اینجا انقلاب "مخملی" مردم مکزیک موافق طبع آقایان و به توصیهء نهادهای رسمی سرمایه داری نولیبرال جهانی و با پول و کمک نهادهای جاسوسی آن انجام نشده است، نهادهایی که فریاد اعتراض آنها را در موارد ذکر شده بالا بارها شنیده ایم.

به این دلیل، یکی از نخستین اقدامات میثاق ملی دموکراتیک، تشکیل کمیسیونی به نام: "روزنامه نگاران در مقاومت" بود که هدفش تصرف سریع کانال های تلویزیونی ست جهت برپایی یک سیستم اطلاع رسانی حقیقی و مستقل از الیگارشی حاکم. ساختار قدرت دوگانه ای که در حال پیدایش است، همهء الیگارشی و نهادهای حاکم، روشنفکران چپ سابق، سازمان های صاحبان صنایع و زمین، رسانه های پر قدرت داخلی و خارجی را در یک "جبههء متحد" برای دفاع از "دموکراسی و نهادهای رسمی" جمع نموده است. در این میان اربابان کلیسا هم از صحنهء نبرد عقب نمانده اند. اسقف های بزرگی چون "ساندوال" و "ریوه را" در نماز یکشنبه از ابرادور تقاضا کرده اند که قدرت کالدرون را پذیرفته و به قواعد بازی احترام بگذارد. این آقایان فهمیده اند که مستقل از ارادهء ابرادور، جنبش کنونی نه تنها قدرت کالدرون بلکه همهء نهادهای جامعهء سرمایه داری را تهدید می کند!

مردم عمیقاً مذهبی ای که در کلیسای بزرگ متروپولیتان در نزدیکی میدان زوکالا جمع شده بودند وقتی دیدند مقامات کلیسا جوانی را که فریاد زده بود "زنده باد ابرادور" از کلیسا اخراج کردند به اعتراض پرداخته و یکشنبهء بعد خیلی ها به درون کلیسا نرفتند، به ویژه که جلوی در ورودی، از ورود کسانی که آرم و پیراهن طرفداران ابرادور داشتند جلوگیری می شد. آنها در مقابل کلیسا جمع شده فریاد می زدند « Voto por Voto » (رأی ها را تک تک باید شمرد) و اسقف را به "بچه باز بودن" متهم می کردند. مردم در برانگیختگی عمومی احساسات شان و فضائی که برای ابراز عقیده پیدا شده، از هر وسیله ای برای نشان دادن طرفداری از جنبش و ابرادور استفاده می کنند. صحنه های سرشار از احساسات خرافی و مذهبی فراوان به چشم می خورد. روزنامهء ملت The Nation از مردمی خبر می دهد که در انتظار معجزه ای آسمانی، به بریایی سکوهای قربانی و نماز پرداخته اند و با راهیمیایی، روی

زانوان به زیارت مقابر قدیسان می روند تا پیروزی ابرادور را خواستار شوند. آنها آواز سر می دهند که "خدا به PAN (حزب اقدام ملی) تعلق ندارد!"

شورش و تشکیل قدرت دوگانه در ایالت اوآخاکا

نقطهء اوج جنبش کنونی مکزیک را در ایالت اوآکساکا مشاهده می کنیم. اولیس رویزورتیز، فرماندار این ایالت که مسؤول سازماندهی چندین قتل سازمان یافته سیاسی توسط باندهای مسلح وابسته به حاکمیت است و روش های او در ترور و آدم ربایی و دستگیری و شکنجه مخالفین معروف است با شورش و مقاومت بی سابقه ای روبرو شده است. دو روز پس از سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز معلمان (که از ۱۶ ژوئن شروع شده) ۴۰۰ هزار نفر به خیابان ها ریخته و تقاضای استعفای او را می کنند. سرکوب خشن و خونین تظاهرات به دست پلیس، آتش خشم مردم را به سراسر ایالت کشاند و جنبش معلمان را به جنبشی توده ای و همه گیر بدل ساخت. رهبری این جنبش را معلمان سندیکای SNTE بر عهده دارند که به حزب دست راستی PRI حاکم در گذشته وابسته است ولی شاخهء محلی این سندیکا با گرایشات چپ، کنترل این بخش ایالتی را به دست گرفته و جنبش را علیه قدرت راستگرا هدایت می کند. جنبش به سرعت، با دست زدن به ابتکار تشکیل یک مجلس توده ای، خود را حکومت مشروع فدرال اعلام نمود (APPO) و خود را برای اداره نهادهای حکومتی آماده کرد. در محلات شهرها نمایندگانی انتخاب شدند و از میان اینها کسانی به مجلس توده ای فدرال رهسپار گردیدند. این نمایندگان که قابل عزل هستند مسؤول اداره امور روزانه در هر محله و شهر هستند. مطالبات این مجلس که ابتدا به ابتکار معلمان تشکیل شد، از خواسته های اولیه آنها که مربوط به مسائل آموزشی و دستمردها بود فراتر رفته، دامنه آن همهء مسائل سیاسی و اقتصادی را دربر گرفته است. کوشش های تنی چند از رهبران سندیکا که قصد داشتند با دریافت تفاهم نامه ای از حکومت مبنی بر افزایش حقوق معلمان و انجام برخی خواست های اقتصادی شان، مجلس را تعطیل کنند به شکست انجامید و آنها از مجلس توده ای فدرال اخراج گردیدند. جنبش، دیگر از محدودهء خواست های اقتصادی فراتر رفته بود. دامنهء تشکیل مجالس توده ای برای اداره امور و دفاع از خواست های کارگران و دهقانان نه تنها اغلب شهرهای ایالت اوآکساکا را دربر گرفته، بلکه به سایر ایالات چون "گرو" و "میچواکان" و حتی ایالت "کالیفورنیای پایین" گسترش یافته است.

استراتژی دولت که سیاست چماق و نان شیرین را دنبال می کند تا به حال کاری از پیش نبرده است. قول برکناری حکومت محلی و نهدید به اعزام ارتش برای "اعاده نظم قانونی" از آتش جنبش نکاسته است. طبیعی ست که این حالت دوگانه نمی تواند مدت درازی دوام بیاورد. جنبش یا به پیش می رود و ابزار لازم را برای پیروزی تا نفی "حکومت قانونی" فراهم می آورد یا خود به تحلیل می رود.

در برنامه ای که APPO منتشر کرده قدرت برتر خود را در ایالت اعلام کرده است و عدم مشروعیت حاکمیت کنونی را خاطرنشان نموده است. کارگران، آموزگاران، دهقانان به سرعت، با برپایی باریکادهایی حول اجتماعات خویش به دفاع از آنها پرداخته و اتوبوس های شهری، وسایل حمل و نقل پلیس و ادارات حکومتی را مصادره کرده اند و از آنها برای حمل و نقل و بستن جاده ها استفاده می کنند. تمام ادارات دولتی ایالت را تظاهرکنندگان اشغال کرده و نهادهای قضائی واداری رسمی حکومت فدرال را فلج نموده اند. روش آنها بسیار از توصیه های لوپز ابرادور که "نافرمانی مدنی" را مطرح می کرد فراتر رفته است. عملیات آنها طبعاً از نظر قدرت حاکم "غیرقانونی" ست. آنها همچنین به تهیه اسلحه پرداخته و از مقرهای خود با سلاح و باتون و دشنه و تبر دفاع می کنند. آنها "عاقلانه" دست روی دست گذاشته اند تا پلیس بیاید و سرکوبشان کند. از طرف دیگر، برای اطلاع رسانه و هماهنگی فعالیت ها به

ایجاد یک ایستگاه رادیوی محلی نیز دست زده اند.

آن وود ** در مقاله ای به تاریخ ۸ سپتامبر که در آن به تفسیر و تحلیل حوادث مکزیک پرداخته می نویسد: "ابراور قول می دهد که از خشونت بپرهیزد و انقلابی صلح آمیز را توصیه می کند. از طرفدارانش می خواهد که راه های مسالمت آمیز نافرمانی مدنی را پی بگیرند. او از مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ به عنوان سرمشق های خود نام می برد. اما مسأله این است که شکل مبارزه به او مربوط نمی شود. اگرچه درست است که باید از درغلتیدن به تحریکات اجتناب کرد، اما گفتن اینکه کارگران باید از خشونت بی جهت و درگیری مجانی با پلیس دوری گزینند و از دادن بهانه به دست حاکمان که منتظر سرکوب خونین جنبش هستند بپرهیزند یک چیز است و ایجاد توهم به اینکه گویا دولت سرمایه داری را می توان فقط به وسیله مقاومت منفی درهم شکست چیز دیگر. جنبش باید اقدامات لازم را برای دفاع از خود انجام دهد. عناصر مقاومت مردمی به صورت نطفه ای شکل گرفته و لازم است به طور جدی و سیستماتیک به تربیت چنان نیروی مسلح مردمی پرداخت که قادر به دفاع از کارزارها و تظاهرات در مقابل تحریکات ارتش باشد".

روزنامهء لاجورنادا (La Jornada) عکسی را انتشار داده که سربازان با لباس مبدل خود را به شکل دهقانان درآورده، روانه تظاهرات می شوند و این نشان از تحریکات ارتش می دهد. در انتخابات ۲ ژوئیه به گفتهء برخی از منابع خبری، ۷۰ درصد از سربازان به کاندیدای چپ رأی داده اند؛ امری که تردید امرای ارتش و رئیس جمهور، ویسنته فوکس، را در به کار گرفتن وسیع ارتش برای سرکوب مردم نشان می دهد. یک درگیری وسیع نظامی می تواند به شکاف مهمی در ارتش بینجامد و در چنین حالی می توان به جرأت گفت که قدرت حاکم جارو خواهد شد. حکومت مکزیک در سرکوب خونین توده ها سوابق متعددی دارد ***

ایالات متحدهء آمریکا همپیمان درجهء اول این حکومت آمریکای لاتین را شکارگاه اختصاصی خود می داند و از سوابق زیادی در کودتا و دخالت مستقیم و غیر مستقیم در کشورهای مختلف این قاره برخوردار است، ولی در شرایط کنونی آمریکای لاتین، انقلاب بولیواری ونزوئلا و بولیوی و گرایش به چپ در اغلب کشورهای این قاره و گردابی که آمریکا با تجاوز و دخالت نظامی خود در افغانستان و عراق دچار آن شده و حضور هزاران مکزیک می مهاجر در مرزهای این کشور موانع عمده ای در دخالت مستقیم نظامی آمریکا در مکزیک به شمار می روند.

خورخه مارتین *** روزنامه نگار و از مسؤولین انجمن "دستها از ونزوئلا کوتاه!" در مقاله ای که در نشریهء الکترونیکی La Riposte منتشر شده خلاصه ای از وظایف عاجل جنبش انقلابی مکزیک را شرح می دهد که آن را عیناً ترجمه می کنیم:

"امر مسلم این است که ما با جنبشی عادی (نرمال) بر ضد تقلب انتخاباتی روبرو نیستیم. ریشه های این جنبش در تراکم ۱۵ سال تهاجم سیستماتیک علیه زندگی و دستاوردهای اجتماعی توده ها نهفته است: پیمان مبادله آزاد بین کشورهای آمریکای شمالی (Alena) کشاورزی مکزیک را به نابودی کشانده و هزاران مهاجر جویای کار را به ایالات متحده کشانده است. این درک عمومی به وجود آمده که نهادهای دموکراسی بورژوایی (حکومت، دستگاه قضائی، حکومت های فدرال و رسانه های همگانی) در خدمت اقلیتی ثروتمند قرار دارند. به همه این دلایل، جنبش خاموش نخواهد شد. فراز و نشیب خواهد داشت و توده ها از آن درس های گرانبهائی خواهند گرفت. عناصر پیشرفته در میان کارگران، دهقانان، بومیان و جوانان باید در یک گرایش انقلابی چپ متحد شوند و با تجهیز خود به برنامهء انقلابی، یعنی برنامه ای سوسیالیستی، به پیشواز این جنبش بروند."

آن وود در این باره می گوید: "نقطهء عزیمت جنبش انقلابی مکزیک مبارزه با تقلب انتخاباتی بود. این اساساً خصلت، بورژوا-دموکراتیک دارد. با وجود این، در عمل، جنبش از این مرحله فراتر رفته

است. جنبش منطق و پویایی خاص خود را دارد که پایه های اساسی نظم سرمایه دارانه را مورد حمله قرار می دهد و هر روز که می گذرد این سؤال که "با لویز هستیم یا علیه او" به کنار می رود و این پرسش مطرح می شود که "قدرت از آن کیست، شما یا ما؟"

به هر حال نمی توان پیش بینی کرد که در هفته ها و ماه های آینده چه خواهد گذشت. عوامل متعددی بین نیروهای فعال کنونی عمل می کند: کیفیت و عمل رهبران جنبش، خستگی توده ها و مانورهای رهبران و نیز امور تصادفی.

طبقه ای که رهبری را به دست دارد دچار پراکندگی ست، اما هنوز بر دستگاه دولتی و همه اهرم های قدرت حاکم است. از طرف دیگر، مردم هنوز در خیابان ها هستند و نطفه های یک قدرت جدید دارد شکل می گیرد. رژیم به لرزه افتاده ولی به مرگ تسلیم نمی شود. مبارزه جدیدی لازم است و رهبری جدیدی که مصمم و آینده نگر باشد و مجهز به یک برنامه انقلابی. این همان چیزی ست که جنبش انقلابی مکزیک کم دارد.

برخی استراتژی های سرمایه داری ترجیح می دهند که قدرت را به ابرادور واگذارند و کارگران را به دوره طولانی رفرمیسم بفرستند. اما در حال حاضر، اکثریت این رهبران، این دورنما را رد می کنند و می ترسند که ابرادور نتواند توده ها را کنترل نماید و حکومت را به سمتی براند که مورد توجه آنها نیست. متأسفانه برخی از رهبران PRD از ترس نیروهایی که خود بیدار کرده اند ولی نمی توانند آنها را کنترل نمایند به دامان کالدرن و قدرت حاکم پناه خواهند برد.

اختلافی که بین استراتژی رفرمیستها و انقلابیون وجود دارد این است که ابرادور سعی دارد از جنبش توده ای برای مجبور کردن صاحبان قدرت به دادن امتیازاتی استفاده کند. ماهیت "نافرمانی مدنی مسالمت آمیز" در این راهبرد نهفته است. اما هرچه زمان بگذرد و او چیزی به دست نیاورد، باعث خستگی توده ها می گردد و این به نفع حاکمیت تمام می شود.

چپ مکزیک، در مجموعه خود، اگر بتواند از اشتباهات خویش درس بگیرد و راهبردی مبنی بر وحدت ضد سرمایه داری و نزدیکی با جنبش توده ای در راستای تدوین برنامه و راهبرد جدید پیش بگیرد می تواند بدیل انقلابی خویش را در مقابل راهبرد رفرمیست ها ارائه دهد، امری که تضاد کنونی را در جهت پیشرفت و گسترش به سمت راه حل های سوسیالیستی حل خواهد نمود. جنبش زاپاتیستی، در مرحله گذشته، با تز آنارشیستی اجتناب از حرکت به سمت قدرت و ایزوله شدن در محدوده جنبش بومیان و تاکتیک تحریم انتخابات نتوانست نقشی فعال در جنبش اخیر بازی کند. به نظر می آید که سایر گروه های چپ انقلابی نیز به همین سرنوشت دچار شده اند. من در مقاله قبلی راجع به مکزیک (مکزیک در آستانه انتخابات، استراتژی ضد سرمایه داری زاپاتیست ها منتشر شده در سایت اندیشه و پیکار) از راهبرد جدید زاپاتیست ها مبنی بر ایجاد جبهه مشترک با سایر گروه های چپ و مارکسیست استقبال کردم، ولی سیر حوادث نشان داد که این اقدام دیر بوده و جنبش توده ای از پیشروان خود پیشی گرفته است و اکنون این وظیفه در مقابل پیشروان چپ قرار گرفته که تاکتیک ها و استراتژی خویش را با مقتضیات نوین منطبق سازند.

یادداشت ها:

[۱] - برای اطلاع از متن کامل این بیانیه رجوع شود به:

<http://www.peykarandeesh.org/ezInFarsi/6-Declaracion-1.html>

• لوموند دیپلوماتیک در شماره ژوئن ۲۰۰۶ به پاره ای از این نهادهای "مدافع حقوق بشر" و "مدافع دموکراسی و آزادی"

اشاره کرده که در اینجا می آوریم:

National Democratic Institute به ریاست مادلن آلبرایت، وزیر خارجه اسبق آمریکا

Freedom House به ریاست جیمز ولسی، رئیس سابق سیا

American Enterprise Institute به ریاست جرال د فورده، رئیس جمهوری اسبق آمریکا

Open Society Institute به ریاست جرج سورس میلیاردر آمریکایی

** بیداری جنبش انقلابی مکزیک، عنوان مقاله ای ست که آلن وود در نشریه الکترونیکی La Riposte (پاتک) منتشر کرده و نگارنده در تهیه این مقاله از آن استفاده زیادی کرده است.

*** درست قبل از بازی های المپیک ۱۹۶۸ در مکزیکو، ارتش تظاهرات دانشجویان را در میدان سه فرهنگ در مکزیکو به خون کشید و حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر کشته شدند.

**** دولت ونزوئلا اعلام کرده است که حکومت "انتخاب شده" ی کالدرون را به رسمیت نمی شناسد.

***** مقاله خورخه مارتین: میثاق دموکراتیک ملی ابرادو را به عنوان رئیس جمهوری مکزیک برگزید.

در تهیه این مقاله علاوه بر لوموند دیپلوماتیک و مقالات آلن وود و خورخه مارتین از سایت های زیر استفاده کرده ام:

www.lariposte.com

www.solidariteetprogres.org

[منتشر شده در آرش شماره ۹۷ نوامبر ۲۰۰۶]